

شاهنامهٔ تالان

داستان‌های پهلوانی ایرانیان
در زنجیره‌ی از روایت‌های سینه‌به‌سینه و سنتی

طومار مرشد عباس زریری اصفهانی

ویرایش جلیلا ده‌ساز خواه

مجلد اول



شرح تصاویر روی جلد مجموعه:

جلد اول: سرودن شاهنامه، برگرفته از کتاب نقاشی مکتب قهوه‌خانه‌ای، نشر نظر ۱۳۸۵، اثر حسن اسمعیل‌زاده
جلد دوم: مجلس کیخسرو، برگرفته از کتاب نقاشی مکتب قهوه‌خانه‌ای، نشر نظر ۱۳۸۵، اثر حسن اسمعیل‌زاده
جلد سوم: تصویر کشته شدن دیو سفید، برگرفته از کتاب در دست انتشار در پیشگاه شمایل تو، نشر نظر،
اثر حسن اسمعیل‌زاده، از مجموعه مهندس عقیلی
جلد چهارم: تصویر داستان سیاوش، برگرفته از کتاب در دست انتشار در پیشگاه شمایل تو، نشر نظر، اثر جواد
عقیلی، از مجموعه مهندس عقیلی
جلد پنجم: تصویر کشته شدن سهراب، برگرفته از کتاب در دست انتشار در پیشگاه شمایل تو، نشر نظر، اثر؟
از مجموعه مهندس عقیلی

لازمه ذکر است دسترسی به این تابلوها بدون همکاری و محبت جناب آقای محمودرضا بهمن‌پور مدیر
مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر امکان‌پذیر نبود. با سپاس فراوان از ایشان.

گروه انتشاراتی ققنوس

سرشناسه: زیرری، عباس، ۱۲۸۸-۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور: شاهنامه نقالان در داستان‌های پهلوانی ایران در زنجیره‌ای از روایت‌های سینه‌به‌سینه و
سنتی/طومار مرشد عباس زیرری اصفهانی در سنت‌های شاهنامه اثر ابوالقاسم فردوسی با ویرایش جلیل
دوستخواه.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۵ ج.

شابک: دوره: ۵-۳۶۱-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱: ۵-۲۲۰-۷۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۲: ۵-۲۳۳-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸؛

ج ۳: ۱-۳۰۱-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۴: ۴-۳۲۶-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۵: ۵-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: داستان‌های پهلوانی ایرانیان در زنجیره‌ای از روایت‌های سینه‌به‌سینه و سنتی.

موضوع: نقالی - طومارها - متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه - اقتباس‌ها

موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Adaptations

موضوع: Scrolls of naqqali -- Early works to 20th century

موضوع: نقالی - ایران

موضوع: Naqqalli -- Iran

موضوع: نقالان

موضوع: Naqqalan

موضوع: داستان‌های پهلوانی - ایران

موضوع: Heroic narrations -- Iran

شناسه افزوده: دوستخواه، جلیل، ۱۳۱۲، - ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ز ۴/۱۱-۴۴۹۵/PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۱/۲۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۳۲۱۸۵



انتشارات ققنوس

برای خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

طومار مرشد عباس زریرانی

شاهنامه نقالان

ویرایش جلیل دوستخواه

مجلد اول

چاپ اول

۹۹۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۲۰-۵

ISBN: 978-600-278-220-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۶۱-۵ (دوره ۵ جلدی)

ISBN: 978-600-278-361-5 (5 vol.set)

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

۱۱	پیشگفتار ویراستار
۱۹	سخن ویراستار دربارهٔ زندگانی و کارنامهٔ نقّال و نگارندهٔ این دفتر
۳۳	گزینهای از «میرشد عباس زیری» دربارهٔ زندگی خود و پیشینهٔ نقّالی

شاهنامهٔ نقّالان

۵۳	فهرست دودمان‌های پادشاهی شاهان ایران از آغاز شهریاری پیشدادیان تا پایان روزگار ساسانیان
----	---

پیشدادیان

۶۱	۱. پادشاهی کیومرث
۷۳	۲. پادشاهی هوشنگ
۸۷	۳. پادشاهی طهمورث دیوبند
۱۱۹	۴. پادشاهی جمشید
۱۳۷	۵. پادشاهی ضحاک
۱۸۶	داستان کاوهٔ آهنگر
۲۴۵	۶. پادشاهی فریدون
۲۶۹	زادن منوچهر از مادر
۲۹۹	داستان پیدایش گودرز
۵۲۸	داستان خورشید خاوری
۵۸۲	داستان کشته شدن طوَرک به دست کُک بن کُهرزاد
۶۰۵	داستان گر شاسب و زدن رُحّام قیل سوار را
۶۴۱	داستان دیو سفید

- داستان سلماسیه و گرشاسب ۷۱۵
 داستان ولادت افراسیاب ۸۰۲
 داستان شیرویه خاوری و گرشاسب با شیرویه ۸۳۶
 داستان نریمان بن گرشاسب ۸۴۶
 داستان نریمان و مهر جهانسوز ۸۸۰
 داستان پیدایش سام سوار و کشته شدن شاه توریه
 دست منوچهرشاه ۹۲۸
 ۷. پادشاهی منوچهر ۱۰۱۷
 داستان سام بن نریمان و پریدخت ۱۰۲۲
 داستان سام و نهنگال دیو ۱۱۰۱
 داستان زال و رودابه دختر شاه کابل ۱۲۶۹
 ولادت رستم ۱۲۸۹
 ۸. پادشاهی تور ۱۴۲۳
 ۹. پادشاهی زو ۱۵۱۹
 ۱۰. پادشاهی دشتاب ۱۵۲۹

کیانیان

۱. پادشاهی کیقباد ۱۵۳۵
 ۲. پادشاهی کاوس ۱۶۲۳
 داستان جنگ مازندران ۱۶۲۵
 هفتخان رستم زال ۱۶۳۷
 داستان جنگ هاماوران ۱۷۰۱
 نخجیر کردن رستم با هفت پهلوان در شکارگاه افراسیاب ۱۷۷۷
 داستان رستم و سهراب ۱۷۹۷
 نبرد رستم با سهراب ۲۰۲۷
 داستان کشته شدن سهراب به دست رستم ۲۱۲۰
 آغاز داستان سیاوش ۲۱۳۳
 ولادت کیخسرو ۲۵۰۰
 داستان کین سیاوش ۲۵۰۸
 رفتن گیو به توران برای آوردن کیخسرو ۲۵۳۱
 ۳. پادشاهی کیخسرو ۲۵۷۵
 داستان فرود سیاوش ۲۵۷۷
 داستان کاموس کشانی ۲۶۳۲
 داستان پولادوند دیو ۲۷۱۹

۲۷۷۴	داستان آکوان دیو
۲۷۸۹	داستان بیژن و منیژه دختر افراسیاب
۲۸۲۶	داستان برزوین سهراب
۲۹۹۷	داستان تیمور
۳۱۳۱	داستان هفتخان جهان بخش
۳۲۲۴	داستان جنگ یازده رُخ
۳۳۷۷	داستان جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب
۳۴۳۳	داستان غایب شدن کیخسرو
۳۴۶۵	۴. پادشاهی نهراسب
۳۴۶۵	داستان گشتاسب (گشتاسب نامه)
۳۴۹۹	۵. پادشاهی گشتاسب
۳۵۳۵	داستان گشتخان اسفندیار
۳۵۵۹	داستان رستم و اسفندیار
۳۶۱۹	۶. پادشاهی بهمن اسفندیار
۳۶۳۰	داستان رستم و شکر و کشته شدن رستم
۳۷۶۷	۷. پادشاهی همان چمراد
۳۷۸۵	۸. پادشاهی داراب پسر همان جهرزاد و بهمن اسفندیار
۳۷۸۹	۹. پادشاهی دارا پسر داراب

پیشگفتار ویراستار

«البته داستان سهراب‌کُشی نقّال‌ها را در قهوه‌خانه‌های اندیدی شنیده‌اید. واقعاً قیامتی برپا می‌شد که دیدنی و شنیدنی بود. آن داش مرحوم حاج مُرشد عبّاس اصفهانی^۱ و نقّالی او را در قهوه‌خانه‌های ناظر و خسروآقای اصفهان دیده بودید که از چند هزار شنونده بی‌وجوان — به قول خودش — در روز سهراب‌کُشی، یک تن اشک و یک دامن زر می‌گرفت.»

استاد زنده‌یادم، جلال‌الدین همایی

(فردوسی و ادبیات حماسی،

جمعه ۱۳۰۳ خزانگی‌های نخستین جشن طوس)

داستان‌های پهلوانی ایرانیان به روایت‌های گوناگون هالان، از آغاز (زمانی ناشناخته) تا روزگار ما، همواره از سینه به سینه، از استاد به شاگرد، از پدر به پسر و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و تا آن‌جا که می‌توانیم جز در طومارهای پراکنده (که در حکم یادداشت‌هایی موقت از بخش‌ها و نکته‌هایی از داستان‌ها بوده است) نوشته نمی‌شده و آن طومارها نیز به‌مرور از میان می‌رفته و، از این رو، این داستان‌ها هیچ‌گاه ثبت و ضبط و تدوین و ویراسته و

۱. این شخص نقّال بلندآوازه‌ای بوده است در اواخر دوره قاجارها که مؤلف این متن هم از او، در شهر استادان و پیشکوتان خود، یاد کرده است (دنباله همین پیشگفتار).

نهایی نمی یافته و در واقع، به دلیل پایداری سنت نقّالی و رواج آموزش های زبانی و بیانی این فنّ و تکیه بر حافظه، نیازی هم بدین کار احساس نمی شده است. به همین سبب، امروزه از دستاورد هنر و مهارت داستان پردازی و سخنوری آن همه نقّال نامدار و گمنام — که ردّ پای کمرنگی از کار آنان در پاره ای از کتاب ها به چشم می خورد — چندان اثری در دست نداریم.

نخستین اثری که در این زمینه می شناسیم مجموعه ای است با عنوان هفت لشکر، نوشته نقّالی گمنام در دوره ناصرالدین شاه قاجار که یگانه دست نوشته آن در کتابخانه مجلس (بهارستان) با شماره ۲۹۸۳ نگاهداری می شود و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی متن آن را با ویرایش (مقدمه، ته حیح توضیح) آقایان مهران افشاری و مهدی مدایی در سال ۱۳۷۷ در تهران منتشر کرده است. به گفته مُرشد ولی الله تُرابی: «این متن یک دوره کامل طومار نقّال است که دست کم به مدت شش ماه نقّالان آن را می زده اند.» (هفت لشکر مقدمه، س سی و یک).

دومین اثر در این راستا متنی است از مانده از دوره سلطان حسین صفوی که آقای دکتر سجاد آیدنلو استاد دانشگاه ارومیه آن را ویراسته و نشر داده است و کتاب شناخت آن چنین است: طومار نقّالی شاهنامه (بر اساس دست نویس مورّخ ۱۱۳۵ ه.ق متعلّق به کتابخانه زنده یاد استاد مجتبی مینوی)، مقدمه، ویرایش و توضیحات سجاد آیدنلو در ۱۰۸۰ صفحه، انتشارات به نگار، تهران، ۱۳۹۱.

سومین اثر متن کنونی است که در دنباله از آن و مؤلفش سخن خواهیم گفت. از پیش یا پس از این سه متن هیچ اثر همانندی در دستمایه ایران و افغانستان و تاجیکستان) سراغ نداریم و هرگاه پیدا شود غنیمتی خواهد بود. سنجش درون مایه متن کنونی با متن هفت لشکر همانندی های بسیاری را هم در زبان و بیان و لحن و تکیه کلام ها و کلیدواژه ها و هم در داده های داستانی نشان می دهد. با این حال، تفاوت های چشمگیری نیز در آن ها هست و هیچ قرینه ای بر این که نقّال و نگارنده متن حاضر از وجود طومار هفت لشکر آگاه بوده است در دست نداریم و می توان گفت که همه همانندی ها ریشه در

آبشخورهای کهن سنت نقالی دارد که — با دریغ — راه پژوهِشِ روشنگر در آن‌ها بر ما بسته است و ناگزیریم به همین دو متن شناخته و در دسترس بسنده کنیم.
در این جا بخش کوتاهی از «داستان رستم و سهراب» را — گونه وار و برای سنجش — از هر دو متن می آورم:

هفت لشکر:

اما چون سهراب به میدان درآمد و مبارز طلب نمود، کسی به میدان او نیامد. سهراب مرکب برانگیخت و در برابر خیمه کیکاوس آمد و او را دشنام داد که: «ای شاه بدگهر! من خون زنده رزم را از تو بازخواست مایم.» [نیزه ای را] که بر دست داشت به چماق خیمه کاوس بند کرد و قوت کرد خیم را با هفتاد میخ و ستون برکند و بر سر او نگون کرد. کاوس زره زده: «ای دلاوران! رستم را خبر کنید که خود را برساند تا دست بیداران تکرار از سر ما کوتاه کند.»

طوس این خبر را بر رستم رسانید. رستم گفت: «در ایران به غیر از من کسی نیست؟ من از کاوس ... نویی دیده ام بجز محنت و غم؟»
باز با خود گفت: «گله! امروز نرسید.» پس نگاه کرد، دید سهراب را، مثل گرگ که در گله گوسفند است، از نیان را در پیش انداخته و هیچ کس تاب نبرد او ندارد.

اما رستم نامدار سوار بر رخس گردید و به میدان درآمد. بر جانب سهراب خروشید که: «ای دلاور! پیش بیا که مرد میدان منم!»
سهراب نگاه کرد. شخصی را دید که مادرش نشان داد بود. با خود گفت که: «البته رستم همین است.» پس خندان خندان نزد رستم آمد و گفت: «ای دلاور! گمان دارم که تو رستم دستانی. اگر رستمی، از من پنهان مدار که مرا با رستم رازی است.»

گفت: «من رستم نیستم. رستم دلاوری است که هزار چون من، چاکر دارد. رستم در زابل است، هنوز نیامده است!»
سهراب نومید شد ...^۱

زیرِی:

... الفصّه، پس از رسیدن سهراب به لشکرگاه ایران و کندن خرگاه و گریختن شاه و بزرگان ایران، خبر به رستم دادند. غرق سلاح جنگ شد، مگر مغفر که در این جنگ بر سر نداشت و گاوسر را نیز به کار نبرد.

در موقعی که سهراب عربده می‌کشید و می‌گفت: «شاه ایران! تو چرا اشخاص را به لباس شب‌روی در لشکرگاه من می‌فرستی؟»، از قفا صدای رقارق چهار کاسه رخس به گوشش رسید. برگشت. رستم را دید. شناخت. «آه، نفس [او] در حال توانتر [بود] و رنگ چهره [اش] تغییر کرد. در حال ادب ایستاد که رستم رسید در مقابل او. عنان از رخس کشید. سهراب سلام کرد. رستم نیز لب جواب داد و پرسید: «کیستی؟ این جا چه می‌کنی؟ چرا خرگاه شاه ایران را کنده‌ای؟»

عرض کرد: «سهراب سردار لشکر تورانم. شب گذشته خالوی مرا به قتل رسانیدند و به من گفته‌اند [که] قاتل ایرانی بوده است...» (اگر سهراب به رستم گفته بود خالوی من زنده‌رزم، پسر شاه سمنگان، را کشته‌اند، خود کشته نمی‌شد).

رستم فرمود: «در صورتی که چنین اتفاقی رخ داده باشد، تو باید دستور طبل جنگ دهی و قدم در میدان نهاده، قاتل را مخاطب کنی. البته اگر قاتل خالوی تو ایرانی و جوانمرد باشد، خود را در میدان به تو معرفی خواهد نمود. نه [این‌که] چنین فعل زشت را مرتکب شوی!»

سهراب در حال شرمندگی عرض کرد: «... جوان مرا از حال طبیعی خارج کرده بود؛ به علاوه، نمی‌دانستم [که] در ایران در لشکرگاه نزول اجلال فرموده‌اند. اکنون پرسشی می‌کنم، مرا باید چه کنم؟ شما نیز اعظم ایران، رستم جهان‌پهلوانید؟»

در این موقع، خیالات وحشتی در دل رستم ایجاد کرد که: «این جوان را از من ترسانده‌اند و شاید به او فهمانده باشند که اگر رستم به دست تو کشته شود، ایران را تسخیر خواهی کرد. پس بهتر آن است [که] من نام خود را پنهان کنم که اگر به دست او کشته شدم، وی از ترس رستم بر ایرانیان نتازد.»

فرمود: «من الوا نیزه‌دار رستم جهان‌پهلوانم!»

سهراب هرچند به نرمی سخن را تکرار کرد، همان پاسخ [را] شنید. از طرفی سهراب با خود فکر کرد که: «حرکات من برخلاف بود و رستم را سخت متغیر نموده که چنین اتفاقی در زمان من نباید رخ دهد و از این پیشامد ننگش آمده، نام خود را پنهان کرد. بهتر آن است [که] به لشکرگاه بازگشته، بگویم طبل جنگ بزنند و در میدان او را طلب نموده، خود را معرفی کنم.»

پس روی با رستم کرد و گفت: «اگر من طبل جنگ زده، قدم در میدان نهاده، قاتل را مخاطب قرار دهم، آیا حاضر به جنگ می‌شوی یا نه؟»
فمود: «اگر ایرانی باشد، بله.» ...

این تنها نمونه‌ای کوتاه از این دو متن بزرگ و مُشتقی از خروار است؛ و گر نه، من — که جلیل‌ترین متون اصفهانی‌ام و سرتاسر این دو متن بزرگ را با دقت از زیر چشم گذرانیدم و جزء به جزء آن‌ها را با یکدیگر سنجیده‌ام — در ضمن مغتنم شمردن برجاماندگی این دو سند ادب توده و فرهنگ زبانی و سینه‌به‌سینه مردم میهنم، به دور از هر گونه شائبه اغراق‌گویی، بر والاتر و فرهیخته‌تر بودن اثر زریری گواهی می‌دهم و تأکید می‌ورزم و «می‌گویم و می‌آیم از عهد برون» که کار او — این بر چیره‌دستی و مهارت استادانه‌اش در زبان و بیان و توصیف و تحشیم صحنه‌ها — بی‌گمان، به سرچشمه‌های کهن تر و با اعتبار تری (هرچند برای شناخته و بیرون از دسترس) می‌پیوندد و، از سوی دیگر، فراگیر تجربهٔ سر و کار داشتن مؤلف با جامعهٔ ایران در یک سده پس از زمان تألیف هفت‌لشکر و دیدن شرایط زندگی در عصر پهلوی نیز هست.

من بر آنم که دیگران نیز هرگاه فرصت پژوهش سنجشی در این دو متن را بیابند، کم و بیش به همین برآیند خواهند رسید. صرف زمانی پانجاه‌ساله (۱۳۴۳ تا ۱۳۹۳) در کار سنگین ویرایش این متن بزرگ و تبدیل آن از یک دست‌نوشتهٔ خانوادگی مهجور و در معرض فرسودگی و فراموشی به کتابی در دسترس همهٔ پژوهشگران و دوستداران فرهنگ برومند ایرانی را بخشی از

خویشکاری فرهنگی و ادبی خود می‌شمارم و متنی هم بر کسی ندارم. کاری بود که به صرافت خود برگزیدم و خویشکارانه به پایان رسانیدم و لذت به انجام رسانیدنش را هم بردم. اکنون هم خشنودم که در کنار شاهنامه‌ی بزرگ و نامدار فردوسی، روایتی دیگر از شاهنامه نقالان / شاهنامه توده مردم ساده و عامی این مرز و بوم را در دسترس داریم.

کتاب کنونی چهار حسرت بردل مانده و آرزو به گوربرده هم داشته است: یکم، زنده‌یاد حسین زریری، فرزند مؤلف، که در کار نگارش متن یار و مددکار وفادار، روبرو با مشتاقانه نشر آن را آرزو می‌کرد. (بخشی از صفحه‌های دست‌نویس به خط او است.) دو دیگر، دوستان فرزانه زنده‌یادم شاهرخ مسکوب و دلال محمدجعفر محبوب که هم دلگرم‌کننده من به پیگیری این مهم و هم رهنمون من بر ریاضت‌پرستی برخی از پیچ و تاب‌های متن و شناخت کلیدواژه‌ها و تعبیرهای آن بودند و سرانجام زنده‌یاد محمد زهرایی بنیادگذار و نخستین مدیر نشر کارنامه که با ما با شورمندی تمام برای آماده‌گردانی این متن بزرگ زحمت کشید. یاد هر چهار تن را گرامی می‌دارم.

از آقای وحید نوشیروانی، که با آمادگی فرهنگی و ایران‌دوستانه وعده یاری‌رسانی به کار نشر این اثر را داده‌اند، از دوست و استاد فرهیخته دکتر حسن کامشاد، که با پرس و جوها و پیگیری‌های دل‌رزان‌شان تشویق‌کننده من به ادامه پیمودن این راه دشوار بودند، کمال سپاسگزاری را دارم.

افزون بر همه، از دوست فرهیخته و همدل خود آقای مسعود بررگمهر، که در بیرون آوردن پرونده‌های نوزده گانه پیشگفتار و متن این کتاب از بایگانی ایستای «کارنامه» و دیگر دیسی آن‌ها از نگاشت منسوخ زرنگار به‌وُرد، با دلسوزی و پیگیری، یاور من بودند، کمال سپاسگزاری را دارم.

به یادداشت‌ها و بازبردها و شرح‌های نویسنده (نقال) با شماره‌های درون پرانتز ارجاع داده می‌شود. ارجاع به گفتاوردهای ویراستار با شماره‌های

بدون پراگندگی انجام می‌گیرد. در پایان هر فصل، ابتدا یادداشت‌های نویسنده می‌آید و سپس پی‌نوشت‌های ویراستار.

جلیل دوستخواه

تانزویل - کوینزلند - استرالیا

مهرگان ۱۳۹۳

www.ketab.ir